

کارکرد اقتصادی دین اسلام

(مطالعه موردی: تولید)

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۲۵ تأیید: ۸۹/۴/۲۰

سعید فراهانی فرد *

چکیده

در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی درباره کارکرد ادیان وجود داشته است؛ برخی تأثیر دین در اقتصاد جامعه را منفی و عده‌ای آن را مثبت ارزیابی کرده‌اند. امروزه نگاه غالب حتی در میان سکولارها، تأثیر مثبت دین در متغیرهای اقتصادی، مانند تولید، مصرف و محیط زیست می‌باشد. برخی نیز میان آموزه‌های ادیان مختلف تفکیک قائل شده‌اند. پرسش اصلی درباره کارکرد اقتصادی دین اسلام است. در این مقاله ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف، بر کارکرد دین اسلام درباره اقتصاد و به‌طور خاص در مورد تولید متمرکز شده‌ایم. فرضیه ما این است که دین اسلام، با توجه به جامعیت آن، با ارائه برنامه در سطح خرد و کلان، در سه حوزه اعتقادی، اخلاقی و حقوقی، رسیدن به هدف زندگانی طیبه را نشانه گرفته است. این برنامه با هدایت و جهت‌دادن رفتارهای اقتصادی مسلمانان در عرصه‌های مختلف تولید، توزیع و مصرف و با معرفی نظام اقتصادی که تأمین‌کننده سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌باشد، زمینه ایجاد جامعه‌ای توسعه‌یافته و مرفه و در عین حال دور از اسراف و مصرف‌گرایی را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: دنیا و آخرت، دین و اقتصاد، تولید، توزیع، مصرف، حیات طیبه، بهره‌وری، حمایت از نیروی کار.

*. استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی تهران.

مقدمه

دانش اقتصاد با وجود برخورداری از پیشینه دیرینه و به‌رغم اینکه زندگی بشر در پرتو آن پیشرفت‌هایی داشته است، نتوانسته است در حد قابل قبولی مشکلات را حل کند و امروز بشر در عرصه‌های مختلف زندگی خود با بحران مواجه است. به‌نظر می‌رسد منشأ این بحران‌ها، نگاه کارکردگرایانه به علم اقتصاد است. در این نگاه، تئوری‌های اقتصادی به علت اینکه فاقد مبنای اصیل‌اند، تا آنجا که رفع نیازکنند، مقبول واقع شده و سپس به کناری گذارده می‌شوند؛ به همین جهت، اصلاح سیستم‌های اقتصادی دچار روزمرگی شده و کمتر سراغ پرسش‌های اساسی می‌روند؛ چراکه معتقدند پاسخی قاطع به آن سؤال‌ها نمی‌توان داد. این نسبیت فکری، به هرج و مرج عملی در اقتصاد و سیستم‌های مبتنی بر آن منجر می‌شود. گم‌شده اصلی در این میان حقیقت است.

با این مقدمه باید تفاوتی میان این نگاه و بررسی کارکردگرایانه دین قائل شد و وجوه فرق را روشن نمود. فارق اصلی این‌دو نگاه آن است که در نگاه دینی، به دنبال ابطال و یا اثبات دین نیستیم و معتقدیم دین [تحریف نشده] مطابق واقع به ارائه برنامه‌ای صحیح برای زندگی بشر در تمام ابعاد اقدام کرده است. پرسش اصلی در این مقاله کارکرد دین اسلام در حوزه اقتصاد است. گستردگی بحث سبب شد تا پرسش را به‌طور خاص در حوزه تولید دنبال کنیم. فرضیه مقاله این است که دین با ایجاد بسترهای مناسب زمینه افزایش تولید و به دنبال آن بهبود اقتصاد را فراهم می‌کند. فرضیه رقیب به دنبال اثبات این ادعاست که دین با سوق دادن مردم به سمت مساجد و کلیسا و امور مذهبی و بدجلوه دادن دنیا در نظر آنان، نقش منفی در اقتصاد و به‌طور خاص در تولید دارد.

بررسی دیدگاه‌ها دربارهٔ رابطه دین و اقتصاد (بررسی ادبیات)

دربارهٔ رابطهٔ دین و اقتصاد دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی کارکرد دین در حوزهٔ اقتصاد و به‌طور کلی در امور مربوط به تمدن جوامع بشری را منفی قلمداد کرده‌اند و گروهی با نگاهی مثبت به آن پرداخته‌اند.

در گروه نخست سه دیدگاه وجود دارد: برخی با طرح این مسئله که جهت‌گیری پیامبران، به‌صورت معنوی و ضد دنیایی بوده است، محور تعلیمات پیامبران را انصراف از دنیا و توجه به آخرت، دانسته و بر این اساس گفته‌اند همیشه نیروی دین و مذهب و پیامبران که مظهر این نیرو بوده‌اند، در جهت دلسردکردن بشر از زندگی و به‌مثابه ترمزی برای پیشرفت بوده است. اینان برای تأیید ادعای خود به تعلیمات تحریف‌شدهٔ مسیحیت و کارکرد کلیسا از یک طرف، و پنداشت غلط از واژه‌هایی ارزشمند در دین اسلام، چون زهد و قناعت و ... و موضع برخی از فرقه‌های انحرافی در دین اسلام، از طرف دیگر، توسل جسته‌اند. در ادامهٔ مقاله با بیان کارکرد اقتصادی دین و تبیین نقش دین در حوزهٔ اقتصاد این شبهات را پاسخ خواهیم داد.

۲۹

مقیس

کارکرد اقتصادی دین اسلام / سعید فراهانی فرد

پیروان دیدگاه دوم، برای دین جهت‌گیری دنیاگرایانه قائل‌اند و جهت‌گیری معنوی آنان را فریب و پوششی بر این جهت‌گیری می‌دانند و مدعی‌اند این جهت‌گیری دنیاگرایانه همواره در جهت حفظ وضع موجود و به سود طبقهٔ زبردست و علیه طبقهٔ زبردست و در جهت مبارزه با تکامل جامعه بوده است. مواضع کلیسای دوران قرون وسطی و استفادهٔ ابزاری از دین در برخی دوره‌های تاریخی اسلام، چون دوران خلفای اموی و عباسی و حکومت برخی از کشورهای اسلامی، این شائبه را در ذهن گروه‌هایی با تفکر مارکسیستی تقویت کرده و اینان به جای اینکه آب را از سرچشمه بنوشند، این عملکردهای غلط را به حساب دین گذاشته و با همین سلاح آن را آماج حمله خود قرار داده‌اند، در حالی که مواضع انقلابی و ظلم‌ستیزی پیامبران و تعالیم آزادی‌بخش قرآن به‌روشنی این توهم را از بین می‌برد.

طرفداران دیدگاه سوم که از نیچه فیلسوف ماتریالیست آلمان منشأ می‌گیرند، مدعی‌اند از یک طرف، نیرومندان عامل پیشرفت تاریخ و ضعیفان عامل توقف و انحطاط بوده و هستند، و از طرف دیگر، دین و مذهب با ترویج مفاهیم عدل، آزادی، راستی، درستی، انصاف، محبت، ترحم، تعاون و...، اخلاق بردگی را به سود ضعیفا یعنی طبقه منحل و ضد تکامل و به زیان طبقه اقویا یعنی طبقه پیشرو و عامل تکامل اختراع کردند و وجدان اقویا را تحت تأثیر قرار دادند و مانع حذف و از بین رفتن ضعیفا و اصلاح و بهبود نژاد بشر و پیدایش ابرمردها گشتند (مطهری، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۲، ص ۱۷۰-۱۷۲).

ملاحظه می‌شود این سه دیدگاه که هریک به نحوی کارکرد دین را در حوزه اقتصاد منفی دانسته‌اند، با یکدیگر در تناقض‌اند و یکدیگر را نفی می‌کنند؛ مثلاً دیدگاه اول، نگاه پیامبران را به آخرت می‌داند، درحالی‌که دیدگاه دوم پیامبران را دنیاطلب معرفی می‌کند و یا دیدگاه سوم، پیامبران را طرفدار مستمندان دانسته است، درحالی‌که گروه دوم آنان را حامی استثمارگران می‌داند. افزون بر این، در ادامه معلوم می‌شود ادیان اصیل و غیر محرف، مانند اسلام مشکلی با ثروت ندارند، بلکه آن را تشویق نیز کرده‌اند. آنچه دین اسلام در برابر آن می‌ایستد، استثمار و تضییع حقوق دیگران است؛ دقیقاً آنچه مارکسیت‌ها به غلط به دین نسبت داده‌اند.

گروه دوم به خلاف دیدگاه‌هایی که در بالا نقل شد، نقش دین را مثبت تلقی کرده‌اند. این افراد خود دارای طیف گسترده‌ای با نظریات متنوعی هستند:

(الف) برخی، مأموریت پیامبران را صرفاً پرورش ابعاد روحی و تربیتی انسان دانسته‌اند و به دین اقلی معتقدند و می‌گویند خداوند سامان‌دادن امور دنیوی آدمیان را به خودشان واگذار نموده است و به تعبیر برخی از اینان «ابلاغ پیام‌ها و انجام کارهای اصلاحی و تکمیل دنیا در سطح مردم دور از شأن خدای انسان و جهان است. تفکر سکولار که خاستگاه آن در دین مسیحیت و در مقابل حاکمیت کلیسا بوده است، بعد از رنسانس و به عنوان راه‌حلی برای پیشرفت اقتصادی مطرح شده و در دهه‌های اخیر به کشورهای اسلامی نیز نفوذ کرده است. براساس این دیدگاه، کارکرد دین صرفاً در جهت اصلاح امور معنوی و بعد اخروی انسان است و دخالت در امور دنیا و اقتصاد

مردم، به عقب‌ماندگی آنان در این عرصه منجر می‌شود* (بازرگان، ۱۳۷۷، صص ۹۱ و ۱۴۵).
 ب) عده‌ای دیگر بر خلاف گروه اول معتقدند شریعت نسبت به دنیای انسان‌ها نیز بی‌تفاوت نبوده و همه عرصه‌های حیات فردی و جمعی آدمی را در برمی‌گیرد و برای همه مناسبات و تعاملات اجتماعی و تحرکات فردی او پیام مشخصی دارد. به اعتقاد اینان اصولاً آبادکردن آخرت از طریق دنیا امکان‌پذیر می‌باشد. این گروه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی از آنان به‌رغم پذیرش شمول شریعت، در تبیین مسائل اجتماعی و اقتصادی دین، نگرش خرد داشته و به نظام‌مندبودن شریعت معتقد نیستند. این نگرش که وجه غالب فقه را تشکیل می‌دهد، به دنبال پاسخ‌گویی به شبهات و مسائل مقلدان می‌باشد و هرگاه از آنان درباره مسئله‌ای - مثلاً اقتصادی - پرسشی شود، در مقام پاسخ به آن برمی‌آیند، بدون اینکه جایگاه آن در کل نظام اقتصادی اسلام در نظر گرفته شود.

در مقابل، عده دیگری نیز از جامع‌انگاران شریعت، به نظام‌مندبودن آن معتقدند و می‌گویند اسلام دارای نظام اقتصادی است که هماهنگ با نظام سیاسی و فرهنگی و ... در صدد تحقق اهداف عالی نظام می‌باشد. شهید صدر از بنیان‌گذاران این تفکر بوده است و کتاب ارزشمند **اقتصادنا** را در فضایی که بحثی از اقتصاد اسلامی نبود، نگاشت. وی با نگرش این کتاب تحولی را در این زمینه ایجاد نمود؛ به‌طوری‌که در بین دانشمندان اهل سنت نیز جای خود را باز کرد. وی معتقد است دین از طریق تشخیص مصالح اجتماعی در تنظیم اقتصاد مؤثر است (صدر، [بی‌تا]، ص ۱۳).

شهید مطهری نیز از کسانی است که به گستردگی قلمرو دین و محدودنبودن آن به امور فردی و عبادی تأکید کرده است. طبق عقیده وی، اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. وی در رد کسانی که حوزه دین را در مسائل فردی و آخرتی منحصر می‌دانند،

*. دیدگاه بازرگان و سروش و سکولارهای پس از رنسانس (برای اطلاع بیشتر رک: فراهانی فرد، ۱۳۷۸/ نصری، ۱۳۸۶).

می گوید:

کسانی که گفته اند زندگی به طور کلی یک مسئله است و دین مسئله دیگر، دین را نباید با مسائل زندگی مخلوط کرد، این اشخاص اشتباه اولشان این است که مسائل زندگی را مجرد فرض می کنند. خیر، زندگی یک واحد و همه شئونش توأم با یکدیگر است، صلاح و فساد در هریک از شئون زندگی، در سایر شئون مؤثر است. ممکن نیست اجتماعی، مثلاً فرهنگ یا سیاست، یا قضاوت یا اخلاق و تربیت و یا اقتصادش فاسد باشد، اما دینش درست باشد و بالعکس. اگر فرض کنیم دین تنها رفتن به مسجد و کلیسا و نماز خواندن و روزه گرفتن است، ممکن است کسی ادعا کند مسئله دین از سایر مسائل مجزاست؛ ولی این مطلب فرضاً درباره مسیحیت صادق باشد، درباره اسلام صادق نیست. (مطهری، ۱۳۷۴ (ب)، ص ۱۶).

با این وجود توجه به مسائل دنیا سبب بی توجهی و احیاناً گریز از مسائل معنوی نیز نشده است، بلکه اصولاً - همانطور که اشاره شد - توجه به دنیا مقدمه و در راستای رسیدن به اهداف معنوی می باشد. شهید مطهری در این باره می فرماید:

در جامعه های کهن همیشه یکی از دو چیز وجود داشت: یا آخرت گرایی و زندگی گریزی (رهبانیت) و یا زندگی گرایی و آخرت گریزی (تمدن، توسعه). اسلام آخرت گرایی را در متن زندگی گرایی قرار داد. از نظر اسلام راه آخرت از متن زندگی مسئولیت های زندگی دنیایی می گذرد (همان، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۱۷).

سید جمال نیز نقش دین را از طریق تقویت اعتقاد مردم و ایجاد خصلت های اخلاقی در آنها، در قوام و پایداری هیئت اجتماعی و مدنیت و ترقی امم و عاملی فعال در برطرف کردن فساد که ملت ها را بر باد می دهد می داند.

مسئله تأثیر پذیری اقتصاد از آموزه های دینی در میان دانشمندان غربی نیز مطرح بوده است؛ / سمیت در کتاب **ثروت ملل** می گوید: مشارکت در فرقه های مذهبی می تواند از طریق ایجاد حسن شهرت ریسک افراد را کاهش داده و از این طریق اثر مثبت بر کارایی و تخصیص بهینه منابع داشته باشد. همچنین مذهب و گروه های مذهبی به عنوان ابزارهای فراقانونی جهت تثبیت وثوق و اطمینان و مجازات خلاف کاری ها در مبادلات

بین گروهی، نااطمینانی را کاهش داده و کارایی را بهبود می‌بخشد (پیغامی، ۱۳۸۹، ص ۳۹۸). هاسلینز و مک کله‌لند دو تن از معاصران/سمیت نیز با مطالعه افکار/سمیت گفته‌اند وابستگی مذهبی گروهی نوآور (در مقابل گروه‌های سنتی) در فرایند مدرن‌سازی مؤثر است (همان).

ویر، اخلاق برگرفته از پروتستان را که افراد را به کار بیشتر و مصرف کمتر ترغیب می‌کند، سبب پیشرفت نظام سرمایه‌داری می‌داند. سرمایه‌داران مورد نظر ویر مصرف تجمل‌گرایانه را هدر دادن سرمایه دانسته و از نظر اخلاقی نکوهیده می‌داند. کار فقط یک‌وسیله اقتصادی و امرار معاش نیست؛ بلکه هدفی معنوی است. آزمندی هرچند خطری برای روح انسانی است، اما از بطالت و بیکاری سهمگین‌تر نیست. میان تقوا و ثروت‌جویی نه تنها تضادی وجود ندارد، بلکه متحد یکدیگرند (ویر، ۱۳۷۴، ص ۱۸، دیباچه به قلم پرفسور تانی). به گفته فرانکلین پولی که خرج تجملات می‌شود، برای همیشه از بین می‌رود (همیلتون، ۱۳۸۱، ص ۲۵۸).

پژوهشگران مسلمان معاصر نیز به‌نوبه خود به کارکرد دین در اقتصاد و در توسعه به‌طور خاص اشاره کرده‌اند. از جمله *جوادی‌آملی* کارکرد دین در حوزه اقتصاد و محیط‌زیست را بررسی کرده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ص ۷۰ به بعد). *قدردان* نیز در بحثی تحت عنوان کارکرد اجتماعی دین، به برخی از عوامل مؤثر در افزایش تولید و رشد اقتصادی اشاره کرده است (قدردان، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰) *قحف* در بخش پایانی مقاله‌ای که تحت عنوان «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، نگاشته است، گفته است کشورهای مسلمان، از زمینه فرهنگی بسیار قوی برخوردارند که می‌تواند تأثیر خوبی بر رفتار مصرفی در جهت کاهش ضایعات و افزایش پس‌انداز داشته باشد. او می‌گوید: میراث بزرگی از حکمت‌ها و آیات قرآنی هست که میانه‌روی و عقلایی بودن در مصرف را ستوده و اسراف، تقلید از دیگران و مصرف بیهوده را نکوهش کرده است (قحف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷). *جهانیان* تأثیر ارزش رفتارهای اسلام را بر رشد اقتصادی بیان کرده است (جهانیان، ۱۳۸۸، ص ۳۴۰ به بعد) *میرمعزی* نیز در یک مدل اقتصاد کلان، رفتار تولیدکننده مسلمان را بررسی کرده است (میرمعزی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۵).

هدف برنامه اقتصادی اسلام

در قرآن کریم رسیدن به حیات در سایه پیروی از خداوند و پیامبر ﷺ دانسته شده است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴).

به تعبیر تفسیر نمونه آیه فوق با صراحت می‌گوید که دعوت اسلام، دعوت به حیات است. حیات معنوی، حیات مادی، حیات فرهنگی، حیات اقتصادی، حیات سیاسی به معنای واقعی، حیات اخلاقی و اجتماعی، و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌ها. این تعبیر کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعبیری است که درباره اسلام و آیین حق آمده است. اگر کسی پرسد هدف اسلام چیست؟ و چه چیز می‌تواند به ما بدهد؟ در یک جمله کوتاه می‌گوییم هدفش حیات در تمام زمینه‌ها و این را به ما می‌بخشد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۲۷).

در ادامه تفسیر این آیه آمده است:

و از اینجا به خوبی معلوم می‌شود آنها که دین و مذهب را در یک سلسله برنامه‌های خشک و بی‌روح و خارج از محدوده زندگی و در حاشیه برنامه‌های فکری و اجتماعی می‌پندارند، چقدر در اشتباهند. یک دین راستین آن است که حرکت در همه زمینه‌های زندگی ایجاد کند، روح بدهد، فکر و اندیشه بدهد، احساس مسئولیت بیافریند، همبستگی و اتحاد و ترقی و تکامل در همه زمینه‌ها ایجاد کند و به تمام معنا حیات‌آفرین بوده باشد (همان، ج ۷، ص ۱۲۸).

درآیه دیگری از قرآن، نتیجه عمل به این رهنمودها و عمل به برنامه خداوند در زندگی انسانی، رسیدن به زندگانی پاکیزه و نیکو دانسته شده است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷).

حیات طیبه، دارای مفهومی بسیار گسترده است؛ زندگی که از هر نظر پاکیزه است؛ پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها و خیانت‌ها، عداوت‌ها و دشمنی‌ها، اسارت‌ها و ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد (مکارم، همان، ج ۱۱، ص ۳۹۴ / همچنین ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۴۱).

دین اسلام برای تحقق این هدف مطلوب، برنامه جامع خود را در سه محور افکار و اعتقادات، و اخلاق و صفات، و افعال طراحی کرده است. این سه حوزه هرکدام در یکدیگر تأثیرگذار بوده و سه بعد وجودی انسان هستند که اسلام آنها را فروگذار نکرده است. این برنامه همه ابعاد وجودی انسان را دربرمی گیرد، و روابط انسان را با خداوند، مردم، طبیعت و خود او سامان می دهد. بی تردید، پرداختن به یک رابطه و غافل شدن از روابط دیگر، انسان را به موجودی یک بعدی و ناقص تبدیل می کند. علاوه بر این، عملکرد انسان در محدوده هریک از این روابط به رابطه دیگر اثر می گذارد. کسی خوب می تواند خدا را بندگی کند که رابطه اش با خود، دیگران و محیط حساب شده باشد. مطابق جهان بینی اسلام که در دیدگاه ها نیز به آن اشاره شد، آخرت خوب در سایه دنیای سالم است. از طرفی، در اقتصاد نیز جنبه های مختلفی وجود دارد و با توجه به نظام مند بودن دین، این جنبه ها با یکدیگر ارتباط ارگانیک دارند. تولید و مصرف، مصرف و توزیع و تولید و توزیع، بر یکدیگر اثرگذارند. با توجه به گستردگی بحث، در این مقاله، این برنامه را در حوزه تولید مطالعه می کنیم. مطالعه کارکرد دین در سایر حوزه ها و ارتباط ارگانیک آنها مجالی دیگر می طلبد.

جایگاه تولید در اسلام

نگاه جامع دین به مسئله دنیا سبب شده است به اموری که رفاه انسان را در دنیا تأمین می کند، اهمیت دهد و بر همین اساس، مسئله تولید مورد توجه رهبران دینی بوده و تلاش کرده اند مردم را به سمت تولید بیشتر و البته هدفمند تشویق کرده و در مورد موانعی که سبب کاهش در تولید می شود، تحذیر کنند. بدین منظور از یک طرف، زمینه های فردی و خرد تشویق تولید را فراهم کرده است و از طرف دیگر، دولت اسلامی را به ایجاد زمینه های کلان آن واداشته است.

در نگاه خرد آن به پرورش و گسترش اخلاق و فرهنگ تولید پرداخته شده است و مسلمانان نسبت به زمینه‌های منفی آن واکنش نشان داده‌اند. بر خلاف ذهنیتی منفی که برخی در مورد دنیاگریزی و عدم اقبال به کار و تلاش در ادیان دارند، در قرآن و روایات به شدت با ذهنیت انزوا و تحریم نعمت‌های خداوند بر خود، مبارزه شده و تأکید می‌شود که هدف اولیه آفرینش این نعمت‌ها مؤمنان هستند (اعراف: ۳۲)، از این نعمت‌ها به طیبات یاد شده (مائده: ۸۸) و مسلمانان را به طلب رزق تشویق می‌شوند (قصص: ۷۳ / عنکبوت: ۱۷) و کسانی را که به دنبال روزی حلال برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش می‌روند، مانند مجاهد در راه خدا معرفی می‌شوند (عاملی، ج ۱۳، ص ۹۱، ح ۲). البته در این مکتب به انسان تذکر داده می‌شود که بسط و قبض رزق در دست خداست (رعد: ۲۶)؛ اما این به معنای تلاش نکردن انسان و چشم به آسمان دوختن او نیست. در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام از مردی پرس‌وجو کردند. گفتند به عبادت پروردگار مشغول است و برادرانش امر معاش او را به عهده دارند. امام علیه السلام فرمود: عبادت کسانی که معاش او را به عهده دارند، بالاتر است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۴، ح ۲۱۸۸۷).

همچنین پیامبر اکرم روزی دست کارگری را بلند کرد و بوسید و فرمود: طلب حلال بر هر مسلمانی واجب است و کسی که از دسترنج خود ارتزاق کند، روز قیامت از صراط به سرعت می‌گذرد و خداوند به او نظر رحمت می‌کند و او را عذاب نمی‌کند و خداوند درهای بهشت را برایش باز کرده که از هر کدام بخواهد وارد شود (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۳، ص ۴۱۷).

در روایت دیگری است که شخصی امام باقر علیه السلام را دید که مشغول زراعت در مزرعه‌اش بود و از گرما عرق کرده بود، پرسید اگر در این حالت مرگت فرا رسد چه می‌کنی؟ امام فرمود: در این صورت در حالی که مشغول بندگی و اطاعت خداوند هستم، خدا را ملاقات می‌کنم (عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۱۰، ح ۲۱۸۶).

برنامه اسلام برای بهبود وضعیت تولید

برنامه جامع اسلام، در حوزه تولید دو هدف را دنبال می‌کند: افزایش تولید و جهت‌دادن به آن.

در این برنامه، علاوه بر تشویق افراد به کار و تلاش و تولید بیشتر و عبادت تلقی‌کردن آن، در سطح کلان نیز اصولی مطرح می‌شود که تحقق آنها، تولید را در سطح جامعه افزایش داده و آن را همسو و در جهت اهداف نظام اسلامی قرار دهد. اموری که به‌نحوی در افزایش و یا جهت‌دادن تولید نقش دارند در سه محور دسته‌بندی می‌شوند:

۱. امور اعتقادی

اسلام در حوزه اعتقادات با بیان و تبیین حقایق پوشیده و غیبی جهان هستی و معرفی حقیقت وجود انسان و نهایتاً پرداختن به خالق هستی، حقایقی گرانقدر را در قالب معارفی ناب به او تسلیم می‌کند. در این حوزه حقایقی برای انسان بیان می‌شود که برخی از آنها توجه‌دادن است و برخی از آنها هم قابل دسترسی چراغ باطن نیست. دریافت این حقایق اثراتی در بعد اقتصادی انسان دارد. انسان موحد کار و تلاش را به‌عنوان وظیفه می‌نگرد، روزی را از خداوند طلب می‌کند و عزت نفس خویش را در طلب رزق از دست نمی‌دهد، زیاده‌روی نمی‌کند و به نوعی اعتدال در زندگی دست می‌یابد. تمام وقت را در طلب رزق صرف نمی‌کند؛ بخشی را برای عبادت خالق اختصاص می‌دهد؛ دنیا تنها هدفش نخواهد بود؛ تقدیر رزق، او را از تعدی به حقوق دیگران باز می‌دارد. از طرفی، اعتقاد دارد امور معنوی چون تقوا و استغفار نتیجه کار او را برکت و افزایش داده و به‌عکس گناه، سبب قطع نعمت خداوند می‌شود.

انسان معتقد به مبدأ و معاد، در فعالیت‌های اقتصادی‌اش، به دیگران ظلم نمی‌کند، کارگران و افراد زیرمجموعه خود را استثمار نمی‌کند، در کار خود کم نمی‌گذارد و همواره در جهت افزایش بهره‌وری خود می‌کوشد. جامعه‌ای که تولیدکنندگان آن، چنین باشند جامعه‌ای ایدئال بوده و تولید در آن جامعه در راستای اهداف راستین نظام خواهد بود.

مؤمنان و پرهیزگاران که خداوند آنها را خلیفه و امانتدار خود دانسته، هدفشان از تولید، تنها افزودن بر سود و درآمد نیست؛ اینان سودی را دنبال می‌کنند که رضایت خداوند را در پی داشته باشد. در این صورت، مباحثی از قبیل از میدان به‌درکردن رقیب و انحصارطلبی، احتکار و گران‌فروشی و کم‌فروشی، در میان آنان جایی ندارد.

۲. امور اخلاقی

انسان موجودی دویعدی است و نفس سرکش او اگر مهار نشود، او را در خلاف مسیر کمال او حرکت داده و به جای رسیدن به حیات طیب، او را به شقاوت دائمی دچار می‌سازد. به همین جهت، مکتب انسان‌ساز اسلام، بخشی از برنامه خود را در تقویت نفس انسان و مهار ساختن آن قرار داده است و اصولاً خداوند متعال ارسال پیامبران را به‌منظور ایجاد تزکیه در کنار تعلیم انسان‌ها دانسته است. تزکیه اخلاقی به‌عنوان برنامه‌ای گسترده، با شناساندن فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی و تربیت انسان‌ها در آراستن به فضایل و پیراستن از رذایل، جامعه اسلامی را در همه ابعاد تعالی داده و فعالیت اقتصادی آنان را نیز در همسو با سایر فعالیت‌های آنان در جهت قرب و بندگی خداوند قرار می‌دهد. این عامل در کنار عامل اعتقادی و به‌عنوان مکمل آن، زمینه را برای یک نظام اقتصادی مطلوب فراهم می‌کند که نتیجه آن در تمام عرصه‌های اقتصاد و از جمله تولید، نمودار خواهد شد. تولیدکننده مسلمان با توجه به آموزه‌های دینی به رابطه پرهیزگاری و استغفار با برکت و فراوانی در اموال خود اعتقاد دارد و نیز می‌داند که کفاره روزی او را کاهش می‌دهد. همچنین نکوهش حرص، طمع و زیاده‌طلبی، پرهیز از روحیه اتراف و غفلت از یاد خدا و بی‌توجهی به زندگی دیگران در همین راستا می‌باشد.

۳. دستورالعمل‌های الزامی و تشویقی

با توجه به اینکه اسلام دینی اجتماعی بوده و - همانطور که در بیان دیدگاه‌ها اشاره شد - سعادت آخرت انسان را نیز از مسیر دنیا مهیا کرده است، در بخش قابل توجهی از برنامه جامع خود دستورالعمل‌های فردی و اجتماعی در قالب اوامر و نواهی مولوی و

ارشادی و الزامی و تشویقی (غیرالزامی) ارائه داده است. آموزه‌های دینی، به‌منظور راهنمایی انسان در عرصه تولی، و فراهم‌ساختن جامعه‌ای مطلوب، تولید برخی از کالاهای مورد نیاز جامعه را واجب کرده و از تولید کالاهای دیگری منع کرده است. شیخ/نصاری در مکاسب محرمة برخی از این فعالیت را بررسی کرده است و از آنجا که همواره در جامعه کسانی هستند که ممکن است تربیت کافی نیافته و ایمان ضعیفی داشته باشند، در شریعت ضمانت اجرایی برای احکام پیش‌گفته در نظر گرفته شده است. وضع حدود و تعزیرات و اجرای آن توسط نظام اسلامی می‌تواند تضمین‌کننده تحقق صحیح این احکام باشد.

روایات و سیره معصومان مشحون از رهنمودهایی است که عمل به آنها وضعیت تولید را بهبود بخشیده و علاوه بر افزایش کمی آن، سمت‌وسوی آن را نیز در جهت مطلوب قرار می‌دهد. مهم‌ترین این امور مربوط به نیروی کار به‌عنوان عامل اصلی تولید می‌باشد و برخی نیز از طریق معرفی روش‌ها و سازوکارهایی زمینه افزایش تولید را فراهم می‌کنند.

یک - حمایت از حقوق کارگران

نیروی کار به‌عنوان عامل اساسی تولید، نقش قابل توجهی در افزایش آن داشته و به همین سبب امروز، سرمایه‌انسانی حرف اول را در اقتصاد کشورها زده و از سرمایه فیزیکی اهمیت بیشتری دارد. مسئله بهره‌وری نیروی کار و ارتقای مهارت آن همواره مورد توجه سیاستگذاران اقتصاد می‌باشد. حتی نظام سرمایه‌داری که از پیشینه خوبی در این جهت برخوردار نیست و در سده‌های هجدهم و نوزدهم کمترین اهمیت را به این قشر داده و با استثمار شدید آنان به تکاثر ثروت می‌پرداختند، در قرن بیستم، تغییر جهت داده و منافع خود را از طریق افزایش بهره‌وری نیروی کار تأمین می‌کنند و در همین راستا حقوق کارگران را به رسمیت شناخته‌اند. در دین اسلام، کار عبادت تلقی شده و افراد تلاش‌گر و نیز صاحبان حرفه‌ها تقدیر شده‌اند و در مقابل افراد بیکار و تنبل سربار جامعه تلقی و سرزنش شده‌اند. از طرفی، تلاش شده تا حقوق این طبقه مورد حمایت قرار گیرد. پاره‌ای از سخنان رهبران دین که در جهت این هدف هستند،

به صورت زیر طبقه بندی می شوند:

الف) پرداخت دستمزد عادلانه

دستمزد نیروی کار به طور معمول، براساس عرضه و تقاضای کار تعیین می شود؛ بنابراین، در جوامعی که نیروی کار، فراوان است، دستمزدها کاهش می یابد و ممکن است در حدی قرار گیرد که تأمین کننده حداقل نیازهای ضروری آنان نیز نباشد. در نظام اقتصادی اسلام، دستمزدها افزون بر اینکه باید تأمین کننده نیازهای اساسی فرد باشد، متناسب با کیفیت و مقدار آن باید افزایش یابد. امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرَتَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ: کسی که حقوق کارگری را پایمال کند، خداوند اعمال او را تباه و او را از بهشت محروم می کند» (عاملی، ۱۹۵۲، ج ۱۳، ص ۲۴۷، ح ۱).

نیز امام کاظم علیه السلام از پدران بزرگوار خود نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا رَجُلًا اغْتَصَبَ أَجِيرًا أَجْرَهُ أَوْ مَهْرَ امْرَأَةٍ: خداوند متعالی هر گناهی را می بخشد، مگر کسی که دستمزد کارگر یا مهریه زنی را نپردازد» (مجلسی، ۱۳۷۰، ج ۱۰۳، ص ۱۷۴، ح ۱۱).

روایات فراوانی نیز در این باره وارد شده که در پرداخت حقوق کارگر درنگ نورزید و پیش از اینکه عرق او بخشد، دستمزد او را بپردازید (عاملی، همان، ج ۱۳، ص ۲۴۶، ح ۱ و ۲). این ستم، گاهی به صورت برنامه ریزی شده است؛ یعنی کارفرماها با تبانی و کاهش تقاضای نیروی کار، سبب می شوند دستمزد نیروی کار در بازار کاهش یابد.

ب) آزادی در انتخاب شغل

یکی از امور مؤثر در افزایش تولید، این است که افراد به شغل خود علاقه مند باشند و این امر زمانی محقق می شود که آنان در انتخاب شغل مورد نظرشان آزاد باشند. این آزادی شامل ایجاد زمینه های آن هم می شود؛ زیرا ممکن است کسی را به شغل خاصی مجبور نکنند؛ اما زمینه اشتغال مناسب و دلخواه او را فراهم نکنند. نیروی کار فقط از

کارهایی منع شده است که در جهت خلاف مصالح جامعه باشد. امیرمؤمنان (ع) در نامه‌ای به قرظة بن کعب انصاری حاکم فارس می‌نویسد:

گروهی از مردم حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و اظهار داشتند که نهر آنها خشک شده است. اگر آن را حفر کنند و به آب برسانند، منطقه آنها آباد می‌شود و بر دادن خراج قدرت می‌یابند و مقدار مالیات پرداختی ناحیه آنان فراوان می‌شود. از من خواستند به تو نامه‌ای بنگارم تا آنها را بر حفر نهر و تدارک هزینه آن گرد آوری، و من شخصی را به کاری که مایل نیست، و نمی‌دارم؛ پس آنها را نزد خود بخوان. اگر مطلب همانگونه باشد، هر کس را که به کار لایروبی نهر مایل باشد، به کار گمار و نهر از آن فردی است که در آن کار کند، نه آن که تمایل به کار ندارد. آبادکردن نهر و قدرت یافتن در زمین نزد من، از سستی آنها محبوب‌تر است (محمودی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۵۹).

ج) احترام به قراردادها

یکی از مشکلاتی که کارگران معمولاً با آن مواجهند، این است که صاحبان کار، هنگام رکود و پایین آمدن قیمت‌ها آنان را اخراج می‌کنند، یا هرگاه کارگری را با دستمزد کمتر بیایند، عذر کارگر قبلی را می‌خواهند. گاهی نیز برخی از کارگران ماهر، چنین مشکلی را برای کار فرما فراهم می‌کنند؛ یعنی به محض اینکه کاری با دستمزد بالاتری بیایند، محل کار خود را ترک می‌کنند. این مشکل در برخی از نظام‌ها از طریق بستن قرارداد و احترام به آن از هر دو طرف حل شده است. در نظام اسلامی هم بر احترام قراردادها و وفای به آنها تأکید فراوانی شده است. بدیهی است که قراردادها باید براساس عدل و انصاف منعقد شود. امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) در این‌باره نقل می‌کند: «... إِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ إِلَّا شَرْطًا حَرَمَ حَلَالًا أَوْ أَحَلَّ حَرَامًا: مسلمانان باید به قراردادهای خود پایبند باشند؛ مگر اینکه در آن حلالی، حرام یا حرامی، حلال شده باشد» (عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۳۵۴).

محمد بن حسن صفار، در نامه‌ای از امام حسن عسکری (ع) درباره مردی می‌پرسد که کارگری را استخدام می‌کند تا برای او بنایی بسازد و در مقابل به او، غذا و پنبه و مانند آن بدهد؛ سپس قیمت غذا یا پنبه کم یا زیاد می‌شود. آیا به او به قیمت روز پرداخت

بدهد یا به قیمت روز محاسبه؟ امام علیه السلام فرمود: به قیمت روزی که با او قرارداد بسته بود، بپردازد (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۸۴، ح ۲۳۲۰۷).

د) تأمین اجتماعی و بیمه برای کارگر

هرگاه کارگر درباره آینده خود و خانواده‌اش فراغت بال داشته باشد، کار او از کمیت بیشتر و کیفیت بالاتری برخوردار خواهد بود؛ به همین جهت، امروزه، در بیشتر کشورها، کارگران تحت پوشش بیمه‌های گوناگونی از قبیل درمان، حوادث، فوت و بیمه بازنشستگی قرار دارند و صاحبان کار، اعم از بخش خصوصی یا دولتی موظفند بخش عمده‌ای از هزینه این بیمه‌ها را تأمین کنند. در دین اسلام نیز به این مسئله توجه فراوانی شده است و افزون بر اصل تکافل عمومی که همه مسلمانان را در برابر یکدیگر در این باره مسئول می‌داند، دولت اسلامی نیز موظف است بستر چنین تسهیلاتی را فراهم کند. در نظام اسلامی، حتی غیر مسلمانانی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، از چنین امکاناتی برخوردارند (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۱ — ۲۲۲). همچنین اشخاصی که به عللی توان فعالیت اقتصادی ندارند، یا در اثر حادثه‌ای، توان خود را از دست می‌دهند، تحت پوشش حمایتی دولت اسلامی قرار می‌گیرند. درآمدهای حاصل از خمس، زکات، صدقات و سایر درآمدهای دولت اسلامی، تأمین‌کننده چنین هزینه‌هایی است. از امام موسی کاظم علیه السلام در این باره نقل شده است:

من طلب هذا الرزق من حلّه ليعود به علی نفسه و عیاله کالمجاهد فی سبیل اللّٰه، فان غلب علیه فلیستدن علی اللّٰه و علی رسوله صلی الله علیه و آله ما یقوت به عیاله فان مات و لم یقضه کان علی الامام قضاؤه فان لم یقضه کان علیه وزره، انّ اللّٰه تعالی یقول: «انما الصدقات للفقرا و المساکین و العاقلین علیها» الی قوله «والغارمین» فهو فقیر مسکن مغرم:

کسی که به دنبال روزی حلال برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش می‌رود، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند؛ پس اگر حادثه‌ای برای او پیش آمد که از کار بازماند، گذران زندگی خانواده‌اش بر عهده خدا و پیامبر او (دولت اسلامی) است و اگر فوت کند، پرداخت بدهی او به عهده امام است که اگر نپردازد، گناه آن بر عهده اوست؛ زیرا خداوند متعال فرموده است:

«همانا صدقات برای فقیران و درماندگان و کارگزاران زکات و ... و بدهکاران است» و این شخص، مسکین و بدهکار است (عاملی، همان، ج ۱۳، ص ۹۱).

هـ) امین بودن نیروی کار

کسی که برای کاری استخدام می‌شود و ابزاری در اختیار او قرار می‌گیرد، امین است و هر گاه آن وسیله بدون کوتاهی شخص، خسارت دید، نیروی کار ضامن نیست. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«لَا يُضْمَنُ الصَّاعِغُ وَلَا الْقَصَّارُ (غسل الثياب) وَلَا الْحَائِكُ إِلَّا أَنْ يَكُونُوا مُتَّهِمِينَ فَيُخَوَّفُ» «فِي جَيْشُونَ» بِالْبَيِّنَةِ وَ يُسْتَحْلَفُ لَعَلَّهُ يَسْتَخْرِجُ مِنْهُ شَيْئًا: زرگر و شوینده لباس و بافنده، ضامن خسارت وارد به مال نیستند؛ مگر اینکه در معرض اتهام باشند (درباره امانت آنان تردید باشد). در این صورت باید شاهد بیاورد شاید از او چیزی مشخص شود» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۵۷، ح ۳۹۲۸).

امام درباره مردی که شترداری را کرایه کرد و شتردار بار او را شکست یا ریخت، فرمود:

بستگی به کارگر (شتردار) دارد. اگر شخص مورد اعتمادی باشد (در معرض اتهام نباشد)، چیزی بر او نیست وگرنه خسارت بر عهده اوست (عاملی، همان، ج ۱۳، ص ۲۷۴).

بدیهی است که رعایت این حقوق، موجب دلگرمی کارگر شده، انگیزه او را برای کار بیشتر و بهتر، افزایش می‌دهد.

دو - امکان مشارکت کارگر در تولید

در نظام سرمایه‌داری، معمولاً کارگران استخدام می‌شوند و از دستمزد ثابت و از پیش تعیین شده برخوردارند. در نظام اسلامی، نیروی‌های کار، افزون بر این امکان، می‌توانند در فعالیت تولیدی شرکت داشته، به جای گرفتن دستمزد ثابت، سهمی از سود را از آن خود کنند و چه بسا از روایات استفاده می‌شود که در صورت امکان شرکت در تولید، بهتر است کارگران با گرفتن مزد مقطوع استخدام نشوند.

امام باقر (ع) فرمود: کسی که به استخدام دیگری در می‌آید، روزی را بر خود

تنگ می‌کند. چگونه روزی او تنگ نمی‌شود، درحالی‌که هرچه به‌دست می‌آورد، برای کسی است که او را به استخدام درآورده است (عاملی، همان، ج ۱۲، باب ۶۶ من ابواب ما یکتسب به، ح ۴).

قراردادهای مضاربه، مساقات و مزارعه به این منظور تشریح شده است و معلوم است مشارکت در سود، انگیزه کارگران را در بالا بردن کمیت و کیفیت کار افزایش می‌دهد.

سه - روش‌های احیا و حیات

در نظام اقتصادی اسلام، مالکیت و سرپرستی بخش قابل توجهی از منابع طبیعی در اختیار دولت است. این کار به این هدف صورت گرفته تا ثروت‌های خدادادی در اختیار گروه خاص و خصوصاً صاحبان قدرت و ثروت قرار نگیرد و دولت بتواند از طریق آنها اهداف نظام و در رأس آنها عدالت را محقق سازد. به همین منظور از جانب شریعت روش‌هایی در نظر گرفته شده است که مسلمانان بتوانند با استفاده از این منابع، امرار معاش کنند. براساس روش احیا، افراد می‌توانند با کسب اجازه از دولت اسلامی، زمین‌های موات را آباد کرده و از این اراضی بهره‌برداری کنند. همچنین برخی از این منابع از طریق حیات قابل بهره‌برداری می‌باشند. این دو ابزار سبب می‌شود افراد بتوانند زندگی خود را تأمین کنند و در نتیجه تلاش این افراد کشور آباد شده و سطح تولید افزایش می‌یابد و بیکاری از میان می‌رود.

چهار - واجب کردن و تحریم برخی فعالیت‌ها

اسلام برای تنظیم امور اجتماع افزون بر ارشادها و سفارش‌های فراوان درباره کار و کوشش - که در قسمت بعدی به آن اشاره می‌کنیم - و نیز تأکید بر حقوق نیروی کار و تشویق به تولید کالاهای گوناگون کشاورزی و صنعتی و نیز انجام گوناگون مورد نیاز مردم، تولید برخی از کالاها و انجام دادن بعضی از خدمات را واجب و برخی را نیز حرام دانسته است.

به‌طور کلی، تولید کالاها و خدماتی که حیات افراد و نیز قوام امور اجتماع بر آنها

مترتب است یا استقلال و عزت جامعه در گرو تولید آنهاست، به گونه‌ای که در اثر نبود چنین تولیدات و خدماتی، زندگی بشر در مخاطره قرار می‌گیرد و آسایش از اجتماع رخت برمی‌بندد یا استقلال کشور اسلامی دچار خدشه می‌شود، بر کلیه افرادی که توانایی تولید آن کالاها یا ارائه آن خدمات را دارند، واجب است؛ البته در صورتی که عده‌ای به تولید آن کالا در حد رفع نیاز اقدام نمودند، واجب از دیگران ساقط می‌شود. به طور مثال، می‌توان به تولید گندم و خدمات پسینی آن یا تولید برخی از کالاهای صنعتی، پزشکی، کشاورزی، تجهیزات دفاعی و نیز خدمات آموزشی و پزشکی اشاره کرد.

همچنین تولید کلیه کالاها و انجام دادن کارهایی که برای اجتماع زیان‌بار است و موجب هدر دادن سرمایه‌های طبیعی و انسانی می‌شود، تحریم شده است. با تحریم این فعالیت‌ها، افزون بر جلوگیری از مفاسدی که بر آنها مترتب است، از اشتغال عوامل تولید در مسیرهای انحرافی نیز پیشگیری می‌گردد.

پنج - جلوگیری از تعدّد واسطه

بخش خدمات، در اقتصاد ضروری است و - همانطور که در مقاله اشاره شد - تولید علاوه بر کالاها، خدمات را نیز دربرمی‌گیرد. واسطه‌ها که معمولاً تولیدکنندگان کالاها را با مصرف‌کنندگان ارتباط می‌دهند، در همین دسته قرار می‌گیرند؛ لکن گاهی واسطه‌ها بدون اینکه خدمت قابل توجهی انجام دهند، موجب طولانی شدن زنجیره توزیع شده و سبب می‌شود کالا با چند واسطه به دست مصرف‌کننده برسد. یکی از آثار سوء این کار افزایش بی‌مورد قیمت‌ها و فاصله زیاد میان قیمت تمام‌شده و قیمت مصرف‌کننده است. علاوه بر آن، گاهی سود زیادی که در بخش واسطه‌گری و دلالتی وجود دارد، انگیزه تولید را کاهش می‌دهد و نیز انتظار سود بیشتر را برای آنان ایجاد می‌کند که در مجموع به زیان اقتصاد و عامه مردم خواهد شد.

در اسلام، گرچه اصل تجارت و خرید و فروش تشویق شده، از تعدّد واسطه‌های غیر ضروری که صرفاً بدون اینکه خدمتی ارائه دهند، موجب افزایش قیمت می‌شوند، نهی شده است؛ البته عمده روایات و فتاوی فقیهان، درباره واسطه در خدمات است. از جمله می‌توان به پرسشی که در این باره از امام رضا علیه السلام شده است، اشاره کرد:

ریخته‌گری از امام می‌پرسد: کاری را می‌پذیرم، سپس همان‌کار را به شاگردهایی که با من کار می‌کنند، وا می‌گذارم، به شرط اینکه فقط دو سوم اجرت به آنها تعلق گیرد. امام فرمود: این کار درست نیست؛ مگر اینکه خودت هم در کار با آنها شرکت کنی (عاملی، همان، ج ۱۳، ص ۲۶۶ - ۲۶۷).

بر همین اساس، اگر کسی خانه‌ای را به قیمتی اجاره کند، نمی‌تواند آن را به قیمتی بیشتر به دیگری اجاره دهد؛ مگر اینکه در آن، کار انجام دهد.

یکی از راه‌های جلوگیری از واسطه‌گری در اسلام، نهی از «تلقی رکبان» است. وقتی کاروان تجاری به شهر نزدیک می‌شد، عده‌ای به بیرون شهر به استقبال آن کاروان رفته، کالای آنان را به قیمتی ارزان می‌خریدند؛ سپس آن را به بهایی گران در شهر عرضه می‌کردند. این واسطه‌گری که هیچ ارزش افزوده‌ای را ایجاد نمی‌کرد و فقط سبب افزایش قیمت‌ها می‌شد، مورد نهی قرار گرفت (صدر، ۱۳۷۵، صص ۲۱، ۱۷۶ و ۲۵۸).

شش - تحریم اسراف و تبذیر

گرچه اسراف بیشتر در بخش مصرف متعارف شده است، اما تعریف آن، شامل استفاده بیش از حد عوامل تولید و به‌کارگیری نادرست و غیربهبینه آن در تولید نیز می‌شود.

هفت - مبارزه با کنز

گرچه درباره حرمت کنز و انباشتن مال، اختلاف نظر وجود دارد و برخی آن را منحصر در اموالی می‌دانند که زکات آنان پرداخت نشده باشد، گروهی نیز مطلق ذخیره‌سازی و راکدگذاشتن دارایی، به ویژه پول را حرام دانسته‌اند و برای‌رهایی از این حرمت، مال باید در معرض مبادله و گردش اقتصادی قرار گیرد. طبق این قول، کنارگذاشتن مقدار مالی که برای تأمین مالی مخارج عادی زندگی لازم است، از دایره کنز خارج می‌شود (برای اطلاع بیشتر درباره کنز و استدلال آنان رک: حسینی، ۱۳۷۹، صص ۱۳۲-۱۴۰).

با عمل به این حکم، ثروت‌ها از حالت رکود خارج می‌شود و فعالیت واحدهای گوناگون اقتصادی رونق و سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و اشتغال و به دنبال آن، تولید زیاد می‌شود، درآمد خانوارها فزونی و تقاضا در جامعه در حالت مطلوب قرار می‌گیرد.

هشت - اهمیت دادن به بهره‌وری و کارایی

یکی از اساسی‌ترین اهداف در سیاست‌های اقتصادی، افزایش کارایی نیروی کار و ایجاد تناسب بین سطح دستمزد کارگران و میزان کارایی آنان است. در دین اسلام، به کیفیت کار، توجه زیادی شده است؛ به‌طوری‌که حتی در عبادات و امور معنوی نیز برخلاف تصور بعضی، به فراوانی عبادت دعوت نشده؛ بلکه بر انجام نیکوی آنها تأکید شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا: آنان که به

خدا ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، بی‌شک ما پاداش نیکوکاران را

از بین نخواهیم برد» (کهف: ۳۰).

دقت در کارهای دنیایی و کوشش برای انجام شایسته آنها نیز در رفتار و گفتار معصومان به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود: «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ فَلْيُتَّقِنْ» (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷۸): کارتان را استوار و محکم انجام دهید.

آن حضرت در دفن سعد بن معاذ/نصاری لحد قبر را خود با دست مبارکش درست کرده، با دقت تمام ساخت و در جای خودش قرار داد. بعضی از اصحاب گفتند: لحد قبر این قدر دقت و محکم‌کاری نمی‌خواهد. پیامبر ﷺ فرمود: «من می‌دانم که به‌زودی کهنگی آن را فرا می‌گیرد؛ لکن خداوند بنده‌ای را که در کارش دقت و محکم‌کاری می‌کند، دوست دارد» (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۳۴۶).

همچنین آن حضرت هنگام دفن فرزندش/براهیم شکافی را در قبر مشاهده و آن را با دست اصلاح کرد و فرمود: «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ فَلْيُتَّقِنْ» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۳، ص ۲۶۲): هرگاه کاری را انجام می‌دهید، آن را کامل و استوار انجام دهید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، دیدگاه‌های مختلف را در مورد کارکرد دین در اقتصاد مطالعه کردیم. امروزه تقریباً در اینکه از پتانسیل دین می‌توان در جهت اقتصاد استفاده کرد، اتفاق نظر وجود دارد. حتی کسانی که طرفدار به حاشیه‌رفتن دین و جدایی آن، از حوزه سیاست و اقتصاد بوده‌اند نیز با استفاده از اخلاق پروتستان توانسته‌اند پایه‌های نظام

سرمایه‌گذاری را بنا نهند و آن را جلو ببرند. در اقتصادهایی مانند ژاپن، نیز با استفاده از آیین کنفوسیوس در افزایش تولید و ثروت توفیق حاصل کرده‌اند. نتیجه مطالعه ما در این مقاله آن بود که دین اسلام، در دیدگاه مورد پذیرش آن که دارای نظامی استوار و همه‌جانبه در ابعاد گوناگون زندگانی انسان است، بعد اقتصادی انسان را نیز فراموش نکرده، هم در سطح خرد، رفتار اقتصادی انسان را هدایت کرده و هم در سطح کلان، با معرفی نظام اقتصادی در حوزه‌های تولید، توزیع و مصرف انسان را به سوی حیات طیب و پاکیزه که در قرآن، هدف زندگانی انسان معرفی شده است، راهنمایی می‌کند. تفاوت اساسی کارکرد دین اسلام، با سایر فرق و مذاهب این است که با نظام‌مند دیدن دین، اقتصاد را در متن دین آورده و میان این دو تفکیک قائل نشده است. علاوه بر اینکه، در دین اسلام، تولید، مصرف و توزیع، به تنهایی هدف نبوده و مثلاً تولید بیشتر، هرگاه با عدالت در سطح کلان و یا با نزدیکی به خداوند و قرب او در سطح خرد تنافی داشته باشد - مثلاً موجب تکاثر ثروت شده و یا موجب حرص و طمع تولیدکننده شده و یا وقتی برای عبادت او باقی نگذارد - ممدوح نمی‌باشد؛ بلکه مورد تحذیر واقع شده است. با توجه به گستردگی بحث، در این مقاله بر بحث تولید متمرکز شده و کارکرد دین اسلام را در این حوزه مطالعه کردیم. این مطالعه را در سه محور مباحث اعتقادی، اخلاقی و حقوقی انجام دادیم. نتیجه مطالعه آن شد که انسان تربیت‌شده مکتب قرآن، تولید را عبادت می‌شمارد و از حاصل آن برای رفاه خود و هم‌نوعانش استفاده می‌کند. او خود را خلیفه خداوند و امانتدار او دانسته، هدفش از تولید، تنها حداکثرکردن سود و درآمد نمی‌باشد. سودی را دنبال می‌کند که رضایت خداوند را به همراه داشته باشد. برای تولیدکننده مسلمان، مباحثی از قبیل از میدان به‌درکردن رقیب و انحصارطلبی، احتکار و گران‌فروشی و کم‌فروشی، جایی ندارد.

جامعه اسلامی، که آموزه‌های اقتصاد اسلامی در آن نهادینه شده باشد، جامعه‌ای توسعه‌یافته است و ضمن برخورداری از رفاه عمومی از مصرف‌گرایی نیز پرهیز می‌کند. کارکرد دین در حوزه مصرف و توزیع، مقال و مجالی بیشتر می‌طلبد.

منابع و مأخذ

۱. بازرگان، مهدی؛ آخرت و خدا هدف بعثت انبیا؛ تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
۲. پیغامی، عادل؛ مباحثی در مرزهای دانش اقتصاد اسلامی؛ تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۹.
۳. تراسبی، دیوید؛ اقتصاد و فرهنگ؛ ترجمه کاظم فرهادی؛ چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۴. جهانیان، ناصر؛ اسلام و رشد عدالت‌محور؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۵. جوادی‌آملی، عبدالله؛ انتظار بشر از دین؛ قم: اسراء، ۱۳۸۰ ش.
۶. حسینی، سید رضا؛ الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف‌کننده مسلمان؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۷. خسروپناه، عبدالحسین؛ قلمرو دین؛ قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۸. _____؛ انتظارات بشر از دین؛ تهران: اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۹. _____؛ گستره شریعت؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۲.
۱۰. خلیلیان، محمد جمال؛ شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام؛ قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. سن، آمارتیا؛ اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه حسن فشارکی؛ تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷.
۱۲. صدر، محمد باقر؛ نقش دین در اقتصاد اسلامی؛ ترجمه محمد محمدی؛ قم: انتشارات هادی، [بی‌تا].
۱۳. صدر، کاظم؛ اقتصاد صدر اسلام؛ تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
۱۴. صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن الحسین؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ هـ.
۱۵. _____؛ امالی؛ الطبعة الخامسة، بیروت مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ الطبعة الخامسة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. عاملی، محمد بن حسن الحر؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
۱۸. _____؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۲ م.
۱۹. فراهانی فرد، سعید؛ نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام؛ تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۲۰. _____؛ «بهره‌برداری از منابع طبیعی در اسلام»؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۲، بهار ۱۳۸۵.

۲۱. قحف، منذر؛ «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»؛ ترجمه سعید و محمدعلی فراهانی فرد؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۷.
۲۲. قدردان قراملکی، محمد حسن؛ «کارکرد دین در انسان و جامعه»؛ قبسات، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۸۲.
۲۳. قمی، عباس؛ سفینه البحار؛ تهران: انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ الکافی؛ الثانیة، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۹ ه.ق.
۲۵. ۲۲/۱. کیان، ش ۲۸ و ۲۹.
۲۶. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۲، قم: انتشارات صدرا، چاپ پنجم، پاییز ۷۴ (الف).
۲۷. _____؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۰، قم: انتشارات صدرا، چاپ دوم، مهر ۸۱.
۲۸. _____؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (جهان‌بینی توحیدی)؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹ ه.ش
۲۹. _____؛ داستان راستان؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۳۰. _____؛ نظری به نظام اقتصادی اسلام؛ انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ (ب).
۳۱. مکارم، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.
۳۲. میرمعزی، سیدحسین؛ اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۳۳. نصری، عبدالله؛ انتظار بشر از دین؛ تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، پنجم، ۱۳۸۶.
۳۴. نقوی، حیدر؛ جمع بین اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه حسن توانایان فرد؛ ناشر: مترجم، ۱۳۶۶.
۳۵. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم: تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۶. همیلتون، ملکم؛ جامعه‌شناسی دین؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ دوم، تیبان، ۱۳۸۱.
۳۷. وبر، ماکس؛ اخلاق و روح سرمایه‌داری؛ ترجمه عبدالمعبود انصاری؛ دوم، تهران: سمت، ۱۳۷۴.